

تهافت الفلاسفه

مجموعه فلسفه اسلامی | ۴۵ |

www.ketab.ir



این کتاب ترجمه‌ای است از:
تهافت الفلاسفة،
ابوحامد محمد الغزالی، تحقیق سلیمان دنیا
دارالمعارف ۱۳۷۴ق.

سرشناسه: غزالی، محمد بن محمد، ۴۵۰-۵۰۵ ق.
عنوان: تهافت الفلاسفة، نویسندگان: ابوحامد محمد غزالی؛ مترجم: حسن فتحی
مشخصات نشر: تهران، حکمت، ۱۳۹۷
مشخصات ظاهری: ۲۹۸ صفحه
شابک: 978-964-244-051-1

موضوع: فلسفه اسلامی -- متون قدیمی تا قرن ۱۴

Islamic philosophy -- Early works to 20th century

فلسفه اسلامی -- دفاعیه‌ها و ردیه‌ها

Islamic philosophy -- Apologetic works

فلسفه و اسلام

Islam and philosophy

مابعدالطبیعه -- متون قدیمی تا قرن ۱۴

Metaphysics -- Early works to 20th century

شناسه افزوده: فتحی، حسن، ۱۳۴۱-، مترجم

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۷ ۲۹۰۲/ت۹۰۶/BBR۶۰۶

رده‌بندی دیویی: ۱۸۹/۱

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۲۳۰۲۰۳۴



تهران، خیابان انقلاب، ابتدای ابوریحان، شماره ۹۴، کدپستی: ۱۳۱۵۶۹۴۱۶۵

تلفن: ۰۹۳۹۴۶۱۲۹۲ / ۰۶۶۴۱۵۸۷۹ شماره: ۰۶۶۴۰۶۵۰۵



www.hekmat-ins.com



info@hekmat-ins.com



hekmatpub



09394402251

تہافت الفلاسفہ

نوشته ابو حامد محمد غزالی

ترجمہ حسن فتحی (دانشیار گروه فلسفہ دانشگاه تبریز)

ویراسته محمد حواد انواری

چاپ سوم: ۱۴۰۱ شمسی ۱۴۴۳ قمری

شمارگان: ۱۵۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۴۴-۰۵۱-۱

حروفچینی و صفحه‌آرایی: مؤسسه فرهنگی هنری حکمت

چاپ و صحافی: شرکت چاپ و نشر کیمیای حضور

(کلیه حقوق محفوظ و مخصوص ناشر است)

تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه (از قبیل چاپ، فتوکپی، الکترونیکی،

صوت و تصویر) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.

فهرست

۱۱	یادداشت مترجم
۲۳	خطبه کتاب
۲۷	مقدمه اول
۲۹	مقدمه دوم
۳۳	مقدمه سوم
۳۵	مقدمه چهارم
	مسئله [نخست]
۳۹	در ابطال عقیده آنها به قدیم بودن [بی‌آغازی] جهان
	مسئله [دوم]
۷۷	در ابطال عقیده آنها در باب ابدیت [بی‌پایانی] جهان و زمان و حرکت
	مسئله [سوم]
	در بیان نیرنگ‌بازی آنها با این سخنشان که خدا فاعل و صانع جهان است
۸۷	و جهان صنع او و فعل اوست...
	مسئله [چهارم]
۱۱۱	در بیان ناتوانی آنها از استدلال بر وجود صانع جهان
	مسئله [پنجم]
	در بیان ناتوانی آنان از اقامه دلیل بر یگانگی خدا و بر اینکه فرض دو واجب‌الوجود
۱۱۷	که هیچ‌یک را علتی نباشد، جایز نیست
	مسئله [ششم]
۱۳۱	[در ابطال عقیده آنها در نفی صفات حق]
	مسئله [هفتم]
	در بیان بطلان این سخن آنها که جایز نیست خدای تعالی با غیر خودش جنس مشترک
۱۴۵	و فصل مفترقی داشته باشد...

مسئله [هشتم]

در ابطال این سخن آنها که وجود مبدأ اول بسیط است... ۱۵۳

مسئله [نهم]

در اثبات ناتوانی آنها از اقامه دلیل بر اینکه مبدأ اول جسم نیست ۱۵۷

مسئله [دهم]

در بیان ناتوانی آنها از اقامه دلیل بر اینکه جهان را صانع و علتی هست... ۱۶۱

مسئله [یازدهم]

در بیان ناتوانی کسی از آنها که می‌گوید مبدأ اول بر غیر خودش علم دارد و اجناس و انواع را به صورت کلی می‌شناسد ۱۶۵

مسئله [دوازدهم]

در بیان ناتوانی آنها از مستدل ساختن علم باری به ذات خویش ۱۷۱

مسئله [سیزدهم]

در ابطال این سخن آنها که خدا - که برتر از سخنان آنهاست - به جزئیاتی که با انقسام زمان به «هست»، «بود» و «خواهد بود» تقسیم می‌شوند، علم ندارد ۱۷۵

مسئله [چهاردهم]

در بیان ناتوانی آنها از اقامه دلیل بر اینکه آسمان حیوانی است که با حرکت دورانی خویش از خدای تبارک و تعالی اطاعت می‌کند ۱۸۷

مسئله [پانزدهم]

در ابطال آنچه در غرض محرک آسمان مطرح کرده‌اند ۱۹۳

مسئله [شانزدهم]

در ابطال این سخن آنها که نفوس آسمان‌ها از تمام جزئیات حادث در این جهان آگاهند... ۱۹۷

طبیعیات ۲۰۵

مسئله نخست [هفدهم]

[اصل علیت] ۲۱۱

مسئله دوم [هجدهم]

در بیان ناتوانی آنها از اقامه برهان عقلی بر اینکه نفس انسان جوهری است روحانی و به‌خودایستاده که در مکان قرار نمی‌گیرد... ۲۲۳

مسئله سوم [نوزدهم]

در بیان بطلان این سخن آنها که محال است نفوس انسان‌ها پس از آنکه به وجود آمدند معدوم شوند... ۲۴۷

یادداشت مترجم

اجمالی از زندگی غزالی

ابوحامد محمدبن محمدبن احمد غزالی در سال ۴۵۰ در طابران طوس^۱ دیده به جهان گشود. کودکی بیش نبود که پدرش به دیار باقی شتافت و صوفی‌ای، که دوست پدر بود، سرپرستی او و برادر کوچکش، احمد، را به عهده گرفت. قَیم این دو طفل هر آنچه را که از پدرشان باقی مانده بود صرف تعلیم و تربیت آنها کرد و پس از تمام شدن اندوخته پدر به مدرسه رهنمونشان شد. ابوحامد در هنگام پناه جستن به مدرسه تقریباً چهارده ساله بود.

غزالی مدتی در طوس به شاگردی شیخ احمدبن محمد رادکانی پرداخت؛ و سپس راهی جرجان شد، و نزد امام ابونصر اسماعیلی تلمذ کرد. حاصل کوشش‌های او در این دو شهر آموختن مقدمات علوم بود و تحصیل فقه، او، پس از رجعتی سه ساله به طوس، که احتمالاً به تعلّم تصوف پیش یوسف النساج گذشت، راه نیشابور را در پیش گرفت و در حلقه درس امام الحرمین ابوالمعالی ضیاءالدین جوینی^۲ در نظامیه نیشابور درآمد. ابوحامد در این حلقه

۱. «طابران» یکی از دو قصبه‌ای بود که مجموع‌شان را طوس می‌خوانند. دو دیگر «نوقان» نام داشت. طوس از شهرهای ایالت خراسان بود.

۲. به لحاظ اهمیت که این شخص در شکل‌گیری ذهن غزالی داشته است، اجمالی از زندگی

به تحصیل فقه، اصول، منطق، کلام و تصوف مشغول بود، تا اینکه مرگ میان این دو جدایی انداخت. او در این هنگام بیست و هشت بهار تجربه کرده بود. حجة الاسلام پس از مرگ امام الحرمین، به سان ارسطو پس از مرگ افلاطون، نظامیه نیشابور را ترک گفت، به اردوگاه خواجه نظام الملک (بانی نظامیه‌ها، ۴۰۸-۴۸۵ ه. ق) پیوست، و شش سالی را در رکاب خواجه به مسافرت پرداخت. مناظرات ابو حامد با عالمان و فقیهانی که به اردوگاه تردد داشتند، موجبات زیادتِ قُرب و منزلتِ او را در پیش خواجه نظام الملک فراهم آورد؛ تا اینکه، پس از شش سال ملازمتِ خواجه، در ۳۴ سالگی، از سوی وی، به عنوان استاد کرسی کلام، به نظامیه بغداد اعزام شد.

کرسی‌ای که غزالی در نظامیه بغداد بر آن تکیه زده بود بالاترین مسند علمی آن دوران به‌شمار می‌آمد؛ اما کشمکش‌های در اندرون او، میان علم رسمی و تهذیب صوفیانه، سابقه‌ای طولانی داشت بالا گرفت؛ این بار هیچ‌کدام از شاخه‌ها و شعبه‌های علمی رسمی نتوانستند در برابر انتقادهای روح بحران‌زده او ایستادگی کنند، و همه آنها و همه شایبه‌های دنیادوستی و جاه‌پرستی، به گونه‌ای که خود او در *المنقذ من الضلاله* توضیح می‌دهد، در طی نبردی شش ماه، از پای درآمدند. بدین ترتیب بود که حجة الاسلام ما در ذی القعدة ۴۸۸ نظامیه را به برادرش سپرد و، به بهانه حج، از آن دیار بیرون شد، تا به سیر و سلوک بپردازد. مدت یازده سال در شام، قدس، مصر، حجاز، بغداد، شهرهای بین

→ و آثارش را می‌آوریم. عبدالملک بن ابومحمد عبدالله بن یوسف بن عبدالله جونی، ملقب به ضیاءالدین، مکتبی به ابوالمعالی معروف به امام الحرمین (۴۷۸-۴۱۹ ه. ق) در زمان خود بزرگ‌ترین دانشمند اشعری مذهب خراسان شمرده می‌شد. پدر، عمو، و پسر او نیز از فاضلان روزگار بوده‌اند. به دنبال شورش مذهبی به سوی مکه روی آورد و چهار سال مجاور حرمین شرفین شد. سپس به نیشابور بازگشت. در نظامیه نیشابور، که برای او بنا شد، و سپس در نظامیه بغداد مدرسی بی‌همتا به‌شمار می‌رفت. از آثار اوست: *غیاث‌الامم*، *نهاية المطلب فی درایة المذهب*، *الشامل*، *الارشاد*، *الاسالیب*، *البرهان*، *تخلیص التفریب*، *العقیده النظامیه*، *غنیة المسترشدين*، *اللمع*، *مدارک العقول*، *مغیث الخلق فی اختیار الحق*. رک. لغت‌نامه، ماده «امام الحرمین» و منابعی که در آنجا آمده است.

بغداد و طوس، و خود طوس، به ریاضت و تفکر و تألیف پرداخت. اکثر آثار عرفانی و صوفیانه او در این مدت به رشته تحریر درآمدند.

غزالی یازده سال پس از ترک نظامیه بغداد، در ذی القعدة ۴۹۹ به اصرار فخرالملک، پسر نظام الملک که منصب وزارت سلطان سنجر را برعهده داشت، کرسی کلام نظامیه نیشابور را پذیرفت؛ اما کشته شدن فخرالملک و شورش برخی ها بر ضد وی، به تحریک فقهای نیشابور، باعث شد که دوباره به طوس برگردد. ابو حامد مدرسه ای در طوس بنیان نهاد و در آن به تدریس کلام و تصوف پرداخت. دعوت مجددی را که از وی برای تدریس در نظامیه بغداد شد نپذیرفت، و سرانجام در چهاردهم جمادی الثانیه ۵۰۵، به سن ۵۵ سالگی، چشم بر خاکیان بست و در طابران به خاک سپرده شد.

آثار غزالی

امام محمد غزالی پیش از آنکه به بیست سالگی بگذارد دست به قلم برد، و تا پایان عمر دمی از این کار نیاورد. آثار او دارای عناوین گوناگون هستند، در سطوح مختلف نگاشته شده اند، و طیف وسیعی از علوم و معارف اسلامی را در برمی گیرند. نکته ای که در بررسی آثار غزالی باید مدنظر قرار بگیرد این است که اندیشه او مدام در حال تحول بوده است و اگر ترتیب تاریخی آثار او را، هرچند به صورت تخمینی، مشخص نکنیم بر شناخت افکار او، آن گونه که پیدا شده و رشد کرده است، موفق نخواهیم گشت.^۱ شاید بتوان گفت که او کتابت را با علوم رسمی (فقه، کلام، ...) آغاز کرده است، سپس به تألیف آثاری روی آورده است که درست در مقابل آن دسته قرار دارند، و سرانجام به جمع میان آن دو پرداخته است. البته این بدان معنا نیست که در هر کدام از این دوره ها نتوان اثری از دوره های دیگر پیدا کرد، اثر یا آثاری که شاید در اجابت به برخی درخواست ها، حل برخی از مشکلات، برآوردن برخی از نیازها، ... تألیف شده اند.

۱. چنان که دست یابی اروپاییان به ترجمه لاتینی مقاصد الفلاسفه، به صورتی جدا از نهافت الفلاسفه، باعث شد که آنها او را «فیلسوفی مشایی» در شمار آورند.